

بررسی سیاست‌های تنظیم بازار برنج در ایران و مقایسه آن با کشورهای منتخب و ارائه راهکارهایی برای بهبود تنظیم بازار آن [۱]

زورار پرمه

(عضو هیأت علمی موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی)

permeh@gmail.com

امید گیلانپور

(عضو هیأت علمی وزارت جهاد کشاورزی)

omid.gilanpour@gmail.com

برنج از طریق نوسازی صنعت شالی کوبی، تجدید نظر در سیاست قیمت‌گذاری تضمینی و استفاده از برنامه اعتبار محصول، کاهش انحصار تجارت (واردات) برنج، حرکت به سمت متنوع‌سازی در مصرف، تحقیق و توسعه بر روی ارقام هیبریدی بازار پسند، انجام واردات از کشورهای اصلی صادرکننده، حرکت به سمت اصلاح سیستم یارانه‌ای و توزیع کوپنی، حرکت به سمت نوعی ادغام عمودی در این صنعت مهمترین راهکارهای بهبود تنظیم بازار این محصول می‌باشند.

تنظیم بازار / برنج / بازار داخلی / سیاست‌های حمایتی

چکیده

در این مقاله ضمن مروری کوتاه بر وضعیت بازار داخلی برنج، به بررسی سیاست‌های حمایتی و تنظیمی منتخبی از کشورها پرداخته شده است. در ادامه سیاست‌های تنظیم بازار ایران بررسی و در نهایت ضمن شناسایی چالش‌های پیش‌روی برنج به مهمترین راهکارهای بهبود تنظیم بازار آن اشاره شده است. استفاده از سهمیه مقداری واردات، متنوع نمودن خطوط تعرفه، ایجاد پایگاه اطلاعات تنظیم بازار، کاهش ضایعات

مقدمه

برنج یکی از غلات مهم مصرفی انسان است و در بین غلات تنها محصولی است که منحصراً برای انسان کاشت می‌شود. در بخش زیادی از قاره آسیا، برنج تامین کننده بیش از ۸۰ درصد کالری و ۷۵ درصد پروتئین مصرفی مردم است. در ایران پس از گندم، برنج دومین محصول کشاورزی پرمصرف می‌باشد که مصرف آن پس از دهه ۵۰ افزایش چشمگیری یافته است.

تولید برنج در ایران در دوره ۸۵-۱۳۶۸ با رشد ۳/۱۹ درصدی از ۱/۲۲ میلیون تن به بیش از ۲/۰۸ میلیون تن رسیده است. در این دوره بازار برنج شاهد دو اتفاق مهم بوده است. اولاً، تولید برنج افزایش یافته است و ثانیاً، واردات آن افزایش پیدا کرده است. برآیند این عوامل موجب شده عرضه داخلی برنج از ۱/۹۶ میلیون تن در سال ۱۳۶۸ به ۳/۲۲ میلیون تن در سال ۱۳۸۵ افزایش پیدا کند. طی دوره سهم تولید از کل عرضه داخلی از ۶۲/۴ درصد در سال ۱۳۶۸ به ۶۴/۵ درصد در سال ۱۳۸۵ رسیده است. بنابراین با وجود برنامه‌های متعدد خودکفایی در این دوره ضریب خودکفایی تغییر چندانی نکرده است. [۲]

بر اساس جدول (۱) با وجود کاهش تولید در بعضی از سال‌ها، واردات افزایش نیافته است و یا در بعضی سال‌ها با وجود افزایش تولید، واردات نیز روند صعودی داشته است. این امر عدم هماهنگی تولید و واردات برنج را نشان می‌دهد. بخشی دیگر از این نوسان‌ها را می‌توان به فقدان برنامه‌ریزی در واردات برنج مربوط دانست. به سبب فقدان متولی در امر بازاریابی محصولات کشاورزی در کشور و پیش‌بینی نادرست شکاف بین عرضه و تقاضای برنج، تخمین درستی از نیاز وارداتی برنج صورت نگرفته است. از این رو واردات برنج نتوانسته آن طور که انتظار می‌رفته به ثبات قیمت در سال‌های مختلف کمک کند و قیمت برنج، تحت تاثیر واردات، نوسان‌های زیادی را تجربه کرده است.

در تولید برنج مشکلات زیادی وجود دارد که بخشی از آن مربوط به ساختار تولید و مراحل مختلف تولید و بخش دیگر مربوط به مراحل پس از تولید تا تبدیل آن به برنج سفید می‌باشد. کوچک بودن قطعات زمین‌های زیرکشت، هزینه‌ی بالای تولید و در نتیجه عدم مزیت نسبی در تولید، ضایعات بالای کارخانه‌های شالی‌کوبی [۳] و عدم تولید محصولات جانبی از این گونه موارد به شمار می‌رود.

گرچه میزان ضایعات این محصول در کشور در منابع مختلف بسیار متفاوت است اما همه آمارها حکایت از بالا بودن میزان ضایعات آن دارند. وجود ضایعات در دامنه‌ی ۱۶ - ۳۰ درصد (بدون لحاظ نمودن ضایعات در مراحل قبل از برداشت از قبیل؛ ضایعات ناشی از تغییرات نامطلوب جوی، مدیریت مزرعه، آفات و بیماری‌ها و غیره)، برای یک محصول استراتژیک رقم بسیار بالایی می‌باشد. [۴] بر اساس گزارش سازمان خواروبار جهانی (FAO) میزان ضایعات برنج در دنیا حدود ۲۱ درصد است که بیشترین مقدار آن (حدود ۶ - ۸ درصد) به مرحله برداشت (اعم از درو و خرمنکوبی) تعلق دارد. [۵] اخیراً دولت به منظور کاهش ضایعات این محصول در کشور مبادرت به اقداماتی اساسی همچون اصلاح ساختار کارخانجات شالی‌کوبی، تامین تعدادی کمباین‌های مخصوص برداشت برنج و ... نموده است. برای کاهش ضایعات این محصول در مراحل مختلف تولید، داشتن شناختی کافی از فاکتورهای ایجادکننده ضایعات به منظور مقابله با آنها امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است.

جدول ۱- میزان عرضه و تقاضای برنج در ایران در دوره ۸۵-۱۳۶۹

| سال | تولید برنج (میلیون تن) | تولید شلتوک (میلیون تن) | واردات (میلیون تن) | صادرات (تن) | عرضه داخلی (هزار تن) | عرضه سطح زیر کشت (هزار هکتار) | عملکرد* (شلتوک) (تن) | ضریب خودکفایی |
|------------------|------------------------|-------------------------|--------------------|-------------|----------------------|-------------------------------|----------------------|---------------|
| ۶۸ | ۱/۲۲ | ۱/۸۵ | ۰/۳۴ | ۰ | ۱۹۶۰ | ۵۱۸/۹ | ۳/۵۷ | ۶۲/۴ |
| ۶۹ | ۱/۳۱ | ۱/۹۸ | ۰/۸۸ | ۰ | ۱۸۲۴ | ۵۲۴/۲۷ | ۳/۷۸ | ۷۱/۷ |
| ۷۰ | ۱/۵۶ | ۲/۲۵ | ۰/۷۹ | ۲۰ | ۲۰۹۷ | ۵۸۲/۳۲ | ۴/۰۵ | ۷۴/۲ |
| ۷۱ | ۱/۵۶ | ۲/۲۶ | ۰/۵۶ | ۲۱۶۱ | ۲۳۴۵ | ۵۹۶/۰۴ | ۳/۹۶ | ۶۶/۴ |
| ۷۲ | ۱/۵۱ | ۲/۲۸ | ۰/۹۴ | ۳۴۳۸ | ۲۴۷۱ | ۵۸۸/۴۷ | ۳/۸۸ | ۶۰/۹ |
| ۷۳ | ۱/۴۹ | ۲/۲۵ | ۱/۱۶ | ۱۹۷ | ۱۸۹۳ | ۵۶۳/۳۸ | ۴/۰۱ | ۷۸/۸ |
| ۷۴ | ۱/۵۲ | ۲/۳ | ۰/۴۷ | ۱۴ | ۲۸۸۰ | ۵۶۵/۵۸ | ۴/۰۷ | ۵۲/۷ |
| ۷۵ | ۱/۷۷ | ۲/۶۸ | ۱/۱۵ | ۲۶ | ۲۷۳۱ | ۶۰۰/۳۳ | ۴/۴۷ | ۶۴/۹ |
| ۷۶ | ۱/۵۵ | ۲/۲۵ | ۰/۹۲ | ۲۳۰ | ۲۰۸۳ | ۵۶۳/۲۱ | ۴/۱۷ | ۷۴/۴ |
| ۷۷ | ۱/۸۳ | ۲/۷۷ | ۰/۵۵ | ۱۲ | ۲۳۵۶ | ۶۱۴/۹۶ | ۴/۵۱ | ۷۷/۶ |
| ۷۸ | ۱/۵۵ | ۲/۳۴ | ۰/۶۳ | ۴۲۵ | ۲۲۶۳ | ۵۸۷/۱۵ | ۴ | ۶۸/۵ |
| ۷۹ | ۱/۳۰ | ۱/۹۷ | ۱/۰۲ | ۴۸۸ | ۲۲۴۴ | ۵۳۴/۳۳ | ۳/۶۹ | ۵۸/۰ |
| ۸۰ | ۱/۳۱ | ۱/۹۹ | ۱/۲۶ | ۱۸۴ | ۱۹۶۳ | ۵۱۴/۷۹ | ۳/۸۷ | ۶۶/۹ |
| ۸۱ | ۱/۹۱ | ۲/۸۸ | ۰/۷۰ | ۱۲۵ | ۲۸۲۶ | ۶۱۱ | ۴/۷۳ | ۶۷/۵ |
| ۸۲ | ۱/۹۳ | ۲/۹۴ | ۱/۰۵ | ۳۲۵ | ۲۹۳۶ | ۶۱۵/۲۸ | ۴/۷۶ | ۶۵/۹ |
| ۸۳ | ۱/۶۸ | ۲/۵۴ | ۰/۸۸ | ۱۴۷ | ۲۸۲۰ | ۶۱۱/۴۵ | ۴/۱۶ | ۵۹/۵ |
| ۸۴ | ۱/۸۱ | ۲/۷۴ | ۱/۱۴ | ۴۲۵ | ۲۸۵۱ | ۶۲۸/۱۱ | ۴/۳۶ | ۶۳/۴ |
| ۸۵ | ۲/۰۸ | ۲/۶۲ | ۱/۰۴ | ۳۱/۶۴ | ۳/۱۲ | ۶۳۰ | ۴/۱۶ | ۶۴/۵ |
| متوسط رشد سالانه | ۳/۱۹ | — | ۶/۸۰ | — | -۳۱/۴۲ | ۱/۱۵ | ۲ | — |

ماخذ: گمرک جمهوری اسلامی ایران ماخذ و وزارت جهاد کشاورزی

* از تقسیم تولید شلتوک بر سطح زیر کشت به دست آمده است.

تامین شده است. تنظیم بازار این محصول به دلایل زیر بسیار حایز اهمیت است:

۱. برنج در سبد غذایی خانوارها و الگوی تغذیه آنها نقشی مهمی بر عهده دارد.
۲. ایران یکی از بزرگترین واردکنندگان برنج در بازار جهانی است.

امروزه برنج یکی از عمده‌ترین اقلام سبد مصرفی خانوارهای ایرانی است و این محصول در ردیف کالاهای اساسی و ضروری قرار گرفته و تامین و توزیع آن جزو دغدغه‌های اصلی دولت می‌باشد. در حال حاضر ایران یکی از واردکنندگان بزرگ برنج در جهان است و طی دو دهه گذشته بطور متوسط حدود ۳۰ درصد نیاز داخلی از طریق واردات

۳. به دلیل مشکلات ساختاری، هزینه تولید این محصول در سطح بالایی قرار داشته و این امر موجب عدم مزیت نسبی تولید آن شده است.

۴. به تبع وجود اخلاص‌های فراوان در مولفه‌های عرضه و تقاضا، نوسان‌های فراوانی در بازار آن وجود داشته است. عوامل فوق موجب شده نقش دولت در بازار این محصول بسیار پررنگ باشد اما بر خلاف سایر کشورها که سیاست مشخصی را در بازار برنج دنبال می‌کنند بیشتر سیاست‌های اعمال شده در ایران مقطعی بوده‌اند. بعلاوه با وجود تاکید بر خودکفایی در تولید برنج سیاست‌های حمایتی مشخصی جهت نیل به این مقصود اتخاذ نشده است. بنابراین آنچه حایز اهمیت است وجود سیاست مشخص در تولید و مصرف برنج است به نحوی که بتواند وضعیت دولت را در قبال تولیدکننده و مصرف‌کننده مشخص نماید. از این رو بررسی سیاست‌های تنظیم بازار برنج و تعیین خط مشی اصولی در تولید و مصرف آن بسیار حایز اهمیت می‌باشد. بر این اساس ساختار مقاله شامل بررسی سیاست‌های حمایتی و تنظیم بازاری کشورهای منتخب، بررسی سیاست‌های تنظیم بازار ایران، ارزیابی سیاست‌های تنظیم بازار بر مولفه‌های بازار، چالش‌های تنظیم بازار و در نهایت راهکارهای پیشنهادی است.

۱. بررسی سیاست‌های حمایتی و تنظیم بازار برنج در کشورهای منتخب

برای آنکه تصویری درست از سیاست‌های تنظیم بازار و حمایتی کشور ارائه شود، ضروری است سیاست‌های اتخاذ شده برخی از کشورهای منتخب مورد بررسی قرار گیرند. این امر به تدوین سیاست‌های منطقی در مورد برنج بسیار راهگشا خواهد بود.

۱-۱. اندونزی [۶]

دولت اندونزی طی چند دهه اخیر در بازار مواد غذایی اساسی از جمله برنج دخالت نموده است. آژانس برنامه‌ریزی و

تهیه ملی [۷] (Bulog) مسئول تنظیم بازار کالاهای اساسی به ویژه برنج بوده است و نقش انحصارگر کامل را در بازار واردات برنج نیز بر عهده داشته است. هدف اول مداخله Bulog در بازار برنج، تثبیت قیمت‌های داخلی نسبت به قیمت‌های جهانی بوده و این کار به طور مؤثری انجام شده است. هدف دیگر اطمینان به عرضه کافی برنج برای مصرف‌کنندگان می‌باشد و پایین بودن متوسط قیمت‌های داخلی در مقایسه با متوسط قیمت‌های جهانی این امر را نشان می‌دهد. بر این اساس مهم‌ترین سیاست‌های این کشور در بازار برنج عبارتند از:

۱. تغییر سیستم خرید دولت از قیمت کف به سیستم خرید دولتی: بر اساس سیستم خرید دولتی، دولت میزان مشخصی از محصول (ترجیحاً در فصل پیک برداشت و در نواحی مازاد تولید) در قیمت خریدی که قبلاً تعیین و اعلام شده است، خریداری می‌کند. میزان محصول خریداری شده به بودجه تخصیصی بستگی دارد و با اتمام بودجه، خرید نیز متوقف خواهد شد.

۲. پرداخت یارانه به نهاده‌های تولید از جمله کودشیمیایی و بذره‌های اصلاح شده.

۳. اصلاح الگوی کشت: بر اساس این سیاست کشاورزان مجبور به استفاده از بذره‌های گواهی شده؛ استفاده از شکلهای مختلف کودهای شیمیایی؛ رعایت تراکم کشت؛ رعایت روش پیشرفته آماده‌سازی زمین؛ کاربرد محرک‌های رشد (هورمون)؛ کنترل تلفیقی آفات و بیماری‌های گیاهی؛ مدیریت بهتر شیوه‌های آبیاری و تناوب در کشت ارقام مختلف هستند.

۴. سیاست حداقل قیمتی: خرید و توزیع برنج بر اساس این قیمت توسط آژانس ملی برنامه‌ریزی لجستیک [۸] صورت می‌گیرد.

۵. توزیع برنج یارانه‌ای توسط آژانس ملی برنامه‌ریزی لجستیک بین افراد آسیب‌پذیر تحت برنامه برنج برای فقر [۹] توزیع می‌گردد.

۶. این کشور به سازمان جهانی تجارت متعهد شده تا سهمیه مقداری به اندازه ۷۰ هزارتن با نرخ تعرفه ۹۰ درصد به واردات برنج اختصاص دهد. البته میزان واقعی واردات در هر سال بیش از این مقدار است.

۷. اعمال تعرفه ثابت به مقدار ۴۳۰ روپیه برای هر کیلوگرم (۰/۳۸ دلار به ازای هر کیلوگرم).

۱-۲. هند [۱۰]

از اوایل دهه ۱۹۹۰ هند اصلاح اقتصادی را با هدف تسریع رشد اقتصادی آغاز کرده هر چند اصلاح سیاستها در بخش کشاورزی در مقایسه با سایر بخش با تاخیر انجام شده است. سیاست کشاورزی هند بوسیله مداخلات داخلی و مرزی به منظور حمایت از بخش کشاورزی در مقابله با نوسانات قیمت‌های جهانی مشخص می‌شود. به منظور رسیدن به این هدف دولت هند سیاست‌های مختلفی را از جمله قیمت‌گذاری، تعرفه، محدودیت‌های مقداری، کنترل بازار داخلی و محدودیت‌های صادرات وضع می‌نماید. این کنترل‌ها برای ایجاد تعادل در عرضه و تقاضای داخلی، پتانسیل صادراتی و توازن تراز پرداخت‌ها اعمال می‌شوند. در سال ۱۹۹۱ دولت اصلاحاتی را در بازار ارز و بخش صنعت ایجاد نمود اما در این سال اصلاحات مستقیمی در بخش کشاورزی به وجود نیامد. اصلاحات کشاورزی در بعد خارجی با آزادسازی صادرات برنج در سال ۱۹۹۴ آغاز شده، در حالی که اصلاحات در سیاست داخلی به کندی صورت می‌گیرد. مهمترین سیاست‌های حمایتی و تنظیم بازار برنج در هند عبارتند از:

۱. حداقل قیمت حمایتی [۱۱]: سیاست حمایت قیمت داخلی برای محصولات کشاورزی در اثر اصلاحات سال ۱۹۹۱ تغییری نکرده و کالاهای اساسی در هند هنوز تحت قانون قیمت تضمینی قرار دارند. قیمت‌های پیشنهادی مربوط به حداقل قیمت حمایتی توسط کمیسیون هزینه و

قیمت‌های کشاورزی [۱۲] (CACP) اعلام می‌شود. دولت هند [۱۳] مازاد تولید را در نواحی عمده تولید خریداری می‌نماید. در مورد برنج، دولت حدود ۵۰ درصد کل خرید را به صورت شلتوک از شالیکاران با حداقل قیمت حمایتی خریداری نموده و ۵۰ درصد بقیه به صورت برنج از کارخانه‌های شالی کوبی خریداری می‌شود.

۲. حمایت نهاده‌ای: یکی دیگر از سیاست‌های حمایتی دولت هند، تحویل ارزان نهاده‌های تولید از جمله برق، آب و آبیاری و کود و سم می‌باشد.
۳. توزیع دولتی برنج: یکی از سیاست‌های دولت هند، توزیع ۲۰ درصد کل تولید برنج در کشور می‌باشد.
۴. توزیع برنج از طریق نهار مدارس، برنامه‌های غذا برای کار [۱۴] و فروش یارانه‌ای به فقیرترین افراد فقیر از جمله سیاست‌های دولت هند در توزیع برنج می‌باشد.
۵. تعرفه: در اواسط دهه ۱۹۹۰ کشور هند تعرفه را جایگزین محدودیت‌های مقداری واردات نمود، به طوری که تعرفه‌های تثبیت شده برنج کشور هند در سازمان جهانی تجارت در سطح ۷۰ درصد می‌باشد.
۶. پرداخت یارانه صادراتی: اگر چه صادرات برنج هند بر اساس موافقتنامه کشاورزی مشمول پرداخت یارانه صادراتی نبوده، ولی در دوره ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۳ صادرات برنج توسط تعاونی غذایی هند مشمول یارانه بوده است.
۷. دسترسی ترجیحی: صادرات برنج باسماتی به اتحادیه اروپا مشمول دسترسی ترجیحی با تعرفه صفر می‌باشد.

۱-۳. اتحادیه اروپا

سیاست‌های اتحادیه اروپا در بازار برنج دارای جنبه حمایتی از تولیدکننده بوده و در مجموع شامل دو دسته سیاست‌های داخلی و مرزی می‌باشند. مهمترین سیاست‌های داخلی عبارتند از: [۱۵]

۱. پرداخت‌های مستقیم: بیش از ۹۰ درصد تولید (۲/۴ میلیون تن) مشمول دریافت پرداخت‌های مستقیم می‌باشد. میزان پرداخت مستقیم برای هر تن ۲۱۶ دلار است.

۲. مداخله قیمتی در بازار: استفاده از قیمت مداخله‌ای و خرید بر اساس آن در هر فصل تا سقف ۷۵ هزارتن یکی دیگر از سیاست‌های تنظیم بازار این اتحادیه است.

۳. از اول سپتامبر ۲۰۰۴ رژیم جدید تجاری جایگزین سیستم تعرفه متغیر قبلی [۱۶] شده است، [۱۷] به طوری که تعرفه سبوس برنج و برنج آسیاب شده به ترتیب ۶۵ و ۱۷۵ یورو به ازای هر تن می‌باشد که بسیار پایین‌تر از تعهدات سقف تعرفه سازمان جهانی تجارت (۲۶۴ و ۴۱۶ دلار به ازای هر تن سبوس و برنج آسیاب شده) می‌باشد.

۴. استفاده از حفاظت‌های ویژه در واردات برنج: واردات برنج در این اتحادیه مشروط به رعایت حفاظت‌های ویژه است.

۵. اعطای دسترسی ترجیحی به کشورهای هند، پاکستان، مصر و کشورهای منطقه آفریقا، کارائیب و اقیانوسیه [۱۸]. اتحادیه اروپا متعهد به اعطای دسترسی کامل به صادرات برنج از ۴۹ کشور با حداقل توسعه یافتگی با تعرفه صفر شده است.

۶. پرداخت یارانه صادراتی: بر اساس موافقتنامه کشاورزی دور اروگوئه، اتحادیه اروپا امتیاز پرداخت یارانه برای ۱۳۳/۴ هزارتن به دست آورده است. میزان کل یارانه پرداختی برای آن در هر سال حداکثر ۳۶/۸ میلیون یورو تعیین شده است.

۴-۱. ایالت متحده آمریکا [۱۹]

آمریکا هر چند به لحاظ میزان تولید در رتبه ۱۱ جهان قرار دارد ولی بعد از تایلد دومین صادرکننده بزرگ برنج در سطح جهان به شمار می‌رود و حدود ۱۳ درصد کل صادرات

جهانی در اختیار این کشور قرار دارد. از این رو این کشور سیاست‌های متنوعی حمایت در بازار این محصول اجرا می‌کند که اهم آنها عبارتند از:

۱. پرداخت‌های حمایتی درآمدی [۲۰] یا پرداخت‌های مستقیم [۲۱]: این میزان کمکها به ۸۵ درصد کل تولید برنج اختصاص دارد و برای هر تن ۵۱/۸۱ دلار می‌باشد.

۲. پرداخت مابه‌التفاوت جبرانی: این سیاست به این صورت عمل می‌کند که دولت آمریکا هر ساله قیمت اعتباری [۲۲] را در سطح معینی قرار می‌دهد (قیمت کف را در سطح ۱۴۳/۳ دلار به ازای هر تن). اگر تولیدکنندگان تولید خود را به قیمتی کمتر از قیمت اعلام شده توسط دولت بفروشند، مابه‌التفاوت این دو قیمت (قیمت جهانی و قیمت اعتباری) به آنها پرداخت می‌گردد.

۳. سیاست پرداخت دوره‌ای جبرانی [۲۳] (CCP): بر اساس این سیاست تفاوت بین قیمت هدف شلتوک (۲۳۱/۵ دلار/تن) و برآورد قیمت بازار یا مجموع قیمت اعتباری و مابه‌التفاوت جبرانی پرداخت می‌شود. حداکثر مقدار پرداخت دوره‌ای جبرانی، ۳۶/۳۸ دلار/تن می‌باشد.

۴. استفاده از حفاظت‌های ویژه: واردات برنج در آمریکا مشروط به حفاظت‌های ویژه است.

۵. پرداخت یارانه صادراتی: آمریکا بر اساس تعهدات سازمان جهانی تجارت می‌تواند برای ۳۸۵۴۴ تن برنج، یارانه صادراتی پرداخت کند (حداکثر سقف یارانه صادراتی ۲/۴ میلیون دلار می‌باشد).

۶. اعتبار صادراتی: از آنجا که بر اساس قوانین سازمان جهانی تجارت پرداخت یارانه صادراتی باید کاهش و در نهایت حذف شوند، آمریکا به سمت تعدیل پرداخت اعتبار صادراتی حرکت کرده است.

۵-۱. چین

چین بزرگترین تولیدکننده و مصرف‌کننده برنج در جهان است. از این رو تولید این کشور نه تنها نقش مهمی در اقتصاد

غلات چین دارد بلکه در اقتصاد جهانی برنج نیز بسیار حایز اهمیت می‌باشد. سیاست‌های دولت چین اکنون از تولید پرمحصول به سمت محصول با کیفیت بالا حرکت نموده و همین امر نیز موجب کاهش تولید برنج در این کشور شده است. بنابراین تقاضای مردم چین نیز از برنج پر محصول به سمت برنج‌های با کیفیت بالا تغییر کرده است. سیاست‌های داخلی و تجاری چین [۲۴] در تولید برنج عبارتند از:

۱. یارانه‌های تولیدی به آب و آبیاری و بذره‌های اصلاح شده
۲. سیاست حداقل قیمت حمایتی برای برنج ایندیکا و ژاپونیکا به ترتیب ۱۶۹ و ۱۸۱ دلار به ازای هر تن
۳. تعیین استان‌هایی که در تولید برنج/غلات دارای مزیت هستند و پرداخت یارانه‌های نهاده‌ای و اعتبارات بیشتر به این استانها صورت می‌گیرد.

۴. حمایت از زمین‌های موردنیاز شلتوک: بر اساس این سیاست اگر مزرعه‌ای برای کشت شلتوک مناسب باشد، استفاده آن برای فعالیت‌های غیرکشاورزی ممنوع است اما امکان استفاده آن در دیگر تولیدات کشاورزی وجود دارد.
۵. ایجاد پایگاه تولید برنج: هر پایگاه در برگیرنده یک شهر است، به طوری که ۲۰۰ پایگاه در کشور وجود دارند. دولت ۲ میلیارد یوان وام برای حمایت تولید برنج در این پایگاه‌ها اختصاص داده است.

۶. حمایت دولت از تحقیق، توسعه و تکنولوژی‌های برنج.
۷. کیفیت بالا، قیمت بالا: دولت چین قیمت خرید برنج با کیفیت را به منظور افزایش تولید آن بالا برده است. برای این منظور دولت استانداردهای جدید کیفی دیگری را در سال ۲۰۰۰ وضع نموده است.

۸. تجارت بین‌الملل برنج (و سایر غلات) هنوز تحت کنترل دولت است. بخش دولتی هنوز در مورد میزان صادرات تصمیم‌گیری می‌نماید و از طریق شرکت‌های تجاری دولتی بویژه [۲۵] انجام می‌گیرد.

۹. تجار بخش خصوصی مجاز به واردات برنج به میزان ۵۰ درصد سهمیه مقداری ترجیحی (۵/۳ میلیون تن) هستند. مابقی توسط شرکت بازرگانی دولتی وارد می‌گردد. برای واردات بیش از سهمیه مقداری نرخ تعرفه ۶۵ درصد اعمال می‌شود.

۱۰. استفاده از حفاظت‌های ویژه در واردات برنج: بر اساس پیش‌شرط‌های چین در زمان الحاق این کشور به سازمان جهانی تجارت، واردات برنج مشمول حفاظت‌های ویژه است و در زمانی که حجم بالای واردات، موجب کاهش قیمت در بازار داخلی شد، چین مجاز به استفاده از حفاظت‌های ویژه و از جمله محدودیت واردات می‌باشد.
۱۱. انحصار صادرات برنج: صادرات برنج در انحصار شرکت‌های بازرگانی دولتی است.

بررسی سیاست‌های تنظیم بازار کشورهای مورد بررسی نشان داد که دامنه گسترده‌ای از مداخلات در بازار وجود دارد که این مداخله‌ها در بین کشورها بسیار متنوع و مختلف می‌باشد، اما بیشتر سیاست‌های تنظیم بازار در کشورهای توسعه یافته موجب اختلال در بازار نشده و یا در صورت اختلال با عضویت در سازمان جهانی تجارت این انحراف در بازار کاهش یافته است. سیاست‌های تنظیم بازار گویای دو مطلب است: الف) دولت‌ها در زمان‌های مختلف معمولاً به طور هم‌زمان از چند ابزار و سیاست برای تنظیم بازار بهره می‌گیرند. ب) بر حسب شرایط، نوع آن‌ها را بر حسب محصول تغییر می‌دهند.

۲. سیاست‌های تنظیم بازار برنج در ایران

در قسمت قبل مروری مختصر به سیاست‌های تنظیم بازار و حمایتی کشورهای منتخب شد در این بخش ضمن بررسی این سیاستها در کشور به بررسی تاثیر آنها بر مولفه‌های بازار پرداخته خواهد شد.

۱-۲. **سیاست قیمت تضمینی:** به منظور حمایت از

تولیدکنندگان و جلوگیری از کاهش حداقل قیمت اعلام شده، دولت برای کالاهای خاصی قیمت تضمینی اعلام می‌نماید. آنچه مسلم است قانون خرید تضمینی در ایران با مشکلات اساسی زیادی روبرو است که می‌توان به چند مورد آن اشاره نمود [۲۶]:

۱. دامنه شمول محصولاتی که در سیاست قیمت تضمینی قرار دارند بسیار گسترده است.
۲. ساختار و امکانات مناسب برای اجرای این سیاست به صورت کارا وجود ندارد.
۳. عدم تناسب قیمت‌های تضمینی با هزینه تولید: قیمت‌های تضمینی بر مبنای هزینه کامل تولید نیستند، به طوری که در بعضی از سال‌ها قیمت تضمینی از هزینه تمام شده‌ی تولید کمتر بوده است.
۴. تعیین قیمت تضمینی بر اساس معیار مناسب، هدفمند و حمایت‌گرا انجام نمی‌پذیرد [۲۷].
۵. فقدان امکانات خرید و ذخیره‌سازی برنج: بر خلاف گندم، که از سوی دولت دارای نظام خرید و نگهداری است، در زمینه خرید داخلی برنج و ذخیره‌سازی آن، به منظور ایجاد تعادل در بازار برنج، دولت فاقد امکانات لازم مانند انبار کافی می‌باشد [۲۸].
۶. زمان خرید برنج: فصل برداشت محصول زمان مناسب خرید برنج به قیمت تضمینی است که می‌تواند مانع از کاهش قیمت‌ها شود. ولی عملاً در مواقعی که دولت در شرایط خاصی به خرید برنج اقدام کرده، زمان خرید از دیدگاه کشاورزان نامناسب بوده است. برای نمونه در سال ۱۳۷۶ که دولت بر اساس مصوبه مجلس شورای اسلامی ۵۰ هزار تن محصول در هر یک از استان‌های گیلان و مازندران خریداری کرد، از زمان تصویب مجلس در

مهرماه تا خرید محصول، سه ماه به طول انجامید. در این راستا دولت برای نخستین بار به خرید برنج بر اساس قیمت توافقی اقدام کرد [۲۹].

۲-۲. سیاست سقف قیمت (سیاست تثبیت قیمت): دولت با

استفاده از این سیاست، عرضه و تقاضای محصول خاصی را کنترل می‌کند. این گونه قیمت‌گذاری، اغلب برای کالاهایی که خرید آنها در انحصار دولت است و بیشتر برای حمایت از مصرف‌کنندگان به کار می‌رود و هدف آن تثبیت قیمت و جلوگیری از افزایش بی‌رویه قیمت آن در بازار می‌باشد. آنچه در بخش خرید و توزیع برنج وارداتی انجام شده است، بیشتر در قالب این سیاست بوده است. بر اساس جدول (۲) دولت در دوره‌های مشخصی اقدام به تثبیت قیمت برنج نموده ولی به دلیل افزایش هزینه‌های دولت، در برخی سال‌ها اقدام به افزایش قیمت تثبیتی نیز کرده است. در برنامه اول توسعه قیمت تثبیتی دولت در سطح ۱۰۰ ریال به ازای هر کیلوگرم ثابت بوده است. در برنامه دوم توسعه تنها در سال‌های ۷۷ و ۷۸ قیمت در سطح ۵۰۰ ریال به ازای هر کیلوگرم ثابت بوده هر چند در مقایسه با برنامه اول توسعه و سال‌های اول برنامه دوم، قیمت توزیعی برنج دولتی پنج برابر شده است. در برنامه سوم توسعه نیز قیمت برنج تثبیت نشده و قیمت آن از ۵۰۰ ریال به ۶۸۵ ریال رسیده است. در برنامه چهارم توسعه دوباره قیمت برنج در سطح ۶۸۵ ریال تثبیت شده است. این امر نشان می‌دهد که دولت تنها در برنامه اول توسعه سیاست تثبیت قیمت را اجرا نموده است و در بقیه سال‌ها به دلیل افزایش هزینه‌های دولت، در عمل از سیاست تثبیت قیمت فاصله گرفته است.

جدول ۲ - وضعیت قیمت وارداتی در مقایسه با قیمت جهانی

| سال | قیمت واردات برنج تایلندی (درجه ۱ و ۲) دلار/کیلوگرم | قیمت تمام شده به دلار رسمی | قیمت تمام شده به دلار آزاد | قیمت ثبیتی ریال/کیلوگرم | مابه‌التفاوت قیمت ثبیتی با قیمت وارداتی با ارز رسمی | مابه‌التفاوت قیمت ثبیتی با قیمت وارداتی با ارز آزاد |
|------|---|----------------------------------|----------------------------------|-------------------------------|--|---|
| ۱۳۶۹ | ۰/۲۱۶ | ۱۵ | ۲۲۱ | ۱۰۰ | ۸۵ | -۱۲۱ |
| ۱۳۷۰ | ۰/۲۴ | ۱۶ | ۲۹۰ | ۱۰۰ | ۸۴ | -۱۹۰ |
| ۱۳۷۱ | ۰/۲۲۹ | ۱۵ | ۳۲۴ | ۱۰۰ | ۸۵ | -۲۲۴ |
| ۱۳۷۲ | ۰/۲۰۴ | ۲۵۹ | ۲۹۰ | ۱۰۰ | -۱۵۹ | -۱۹۰ |
| ۱۳۷۳ | ۰/۲۳۷ | ۴۱۵ | ۳۵۵ | ۱۰۰ | -۳۱۵ | -۲۵۵ |
| ۱۳۷۴ | ۰/۳۰۲ | ۵۲۸ | ۵۴۷ | ۱۰۰ | -۴۲۸ | -۴۴۷ |
| ۱۳۷۵ | ۰/۲۹۳ | ۵۱۳ | ۸۲۳ | ۳۰۰ | -۲۱۳ | -۵۲۳ |
| ۱۳۷۶ | ۰/۲۶۵ | ۴۶۵ | ۱۰۹۷ | ۴۰۰ | -۶۵ | -۶۹۷ |
| ۱۳۷۷ | ۰/۲۶۶ | ۴۶۵ | ۱۱۱۹ | ۵۰۰ | ۳۵ | -۶۱۹ |
| ۱۳۷۸ | ۰/۲۹ | ۵۰۸ | ۱۳۴۷ | ۵۰۰ | -۸ | -۸۴۷ |
| ۱۳۷۹ | ۰/۲۷ | ۴۷۶ | ۱۵۴۵ | ۵۰۰ | ۲۴ | -۱۰۴۵ |
| ۱۳۸۰ | ۰/۲۸ | ۴۹۱ | ۲۲۷۸ | ۵۲۰ | ۲۹ | -۱۷۵۸ |
| ۱۳۸۱ | ۰/۲۹ | ۰ | ۲۲۹۴ | ۵۷۰ | - | -۱۷۲۴ |
| ۱۳۸۲ | ۰/۳۱ | ۰ | ۲۴۵۶ | ۶۲۵ | - | -۱۸۳۱ |
| ۱۳۸۳ | ۰/۳۳ | ۰ | ۲۶۲۴ | ۶۸۵ | - | -۱۹۳۹ |
| ۱۳۸۴ | ۰/۲۹ | ۰ | ۲۳۹۹ | ۶۸۵ | - | -۱۷۱۴ |
| ۱۳۸۵ | ۰/۲۹ | ۰ | ۲۵۵۰ | ۶۸۵ | - | -۱۸۶۵ |

ماخذ: پرمه، زورار و همکاران (۱۳۸۶). مطالعه پشتیبان تنظیم بازار برنج

۲-۳. پرداخت یارانه مصرفی: یکی از سیاست‌های تنظیم بازار برنج، پرداخت یارانه مصرفی بوده است. مطابق جدول (۳) میزان یارانه‌های مصوب روند افزایشی داشته و از ۱۱۶ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۳ به ۲۲۵۰ میلیارد ریال در سال ۱۳۸۴ رسیده است. اما به لحاظ میزان یارانه‌های قطعی پرداخت شده وضعیت متفاوت است و در بعضی از سال‌ها با وجود مصوب کردن یارانه‌ها یا یارانه‌ای پرداخت نشده یا میزان پرداختی آن بسیار کمتر از میزان مصوب می‌باشد. قابل ذکر است در اکثر سال‌ها با توجه به نرخ ارز

مصوب برای واردات کالاهای اساسی (۷۰ ریال، ۱۷۶۰ ریال و ۳۰۰۰ ریال) تخصیص ارز برای واردات برنج با توجه به قیمت جهانی این محصول، قیمت تمام شده بسیار پایین‌تر از قیمت این کالا در بازار داخلی بوده و بر این اساس تخصیص ارز با قیمت مصوب حمایت شده خود یارانه پنهان برای تهیه، تدارک و توزیع برنج وارداتی بود. برای مثال در سال ۱۳۷۶ قیمت برنج وارداتی با ارز دولتی حدود ۵۰ درصد کمتر از قیمت آن محصول با ارز بازار آزاد بوده است.

واحد: میلیارد ریال

جدول ۳- میزان یارانه پرداختی به برنج در دوره ۸۵-۱۳۷۳

| شرح | ۱۳۷۳ | ۱۳۷۴ | ۱۳۷۵ | ۱۳۷۶ | ۱۳۷۷ | ۱۳۷۸ | ۱۳۷۹ | ۱۳۸۰ | ۱۳۸۱ | ۱۳۸۲ | ۱۳۸۳ | ۱۳۸۴ | ۱۳۸۵ |
|----------------|------|------|------|------|------|------|------|------|------|-------|--------|------|------|
| یارانه پرداختی | ۱۱۶ | ۲۰۳ | ۰ | ۷۷ | ۰ | ۰ | ۴۲ | ۰ | ۰ | ۲۶۲ | ۱۰۴۴/۲ | ۱۵۳۴ | ۰ |
| یارانه مصوب | ۱۱۶ | ۲۰۳ | ۲۲۰ | ۱۶۴ | ۲۰۲ | ۱۵۷ | ۴۲ | ۰ | ۰ | ۴۳۱/۸ | ۱۰۴۴/۲ | ۲۲۵۰ | ۰ |

ماخذ: پایگاه اطلاعات تنظیم بازار WWW.CMRD.IR

دوره ۸۰-۱۳۶۹ معادل‌های تعرفه‌ای در ۷ سال منفی بوده و نشان می‌دهد علی‌رغم انواع محدودیت‌های تجاری بر واردات برنج، از تولید داخلی آن حمایت تجاری انجام نشده است. در سایر سال‌ها معادل‌های تعرفه‌ای مثبت است که حاکی از حمایت تجاری از محصول داخلی می‌باشد. از سوی دیگر محاسبه معادل تعرفه‌ای ویژه نشان می‌دهد که در سال ۱۳۶۹ دولت با وضع موانع غیرتعرفه‌ای مالیات ضمنی بر تولید داخلی اعمال نموده در حالی که در سال ۱۳۸۰ موانع غیرتعرفه‌ای در جهت حمایت از تولید داخل عمل نموده و وضع آن معادل ۱۱۱۰ ریال به ازای هر کیلوگرم از تولید داخلی حمایت به عمل آورده است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که طی سال‌های ۸۰-۱۳۷۷ از تولید داخلی برنج حمایت تجاری مناسبی صورت گرفته است. [۳۰] لازم به ذکر است در سال ۱۳۸۱ موانع غیرتعرفه‌ای در بخش تجارت حذف و به معادل تعرفه‌ای تبدیل شده است.

۴-۲. تعرفه و موانع غیرتعرفه‌ای: به دلیل اینکه واردات

بخش عمده برنج در اختیار دولت قرار داشته، وضع تعرفه کارکرد واقعی خود را از دست داده است. از سوی دیگر واردات برنج توسط تعاونی مرزنشینان نیز از معافیت ۵۰ درصدی برخوردار است. تنها حجمی کمتر از یک درصد کل واردات توسط بخش خصوصی به تعرفه واقعی وارد کشور شده است.

هر کشوری بنا به مقتضیات طبیعی و اقتصادی خود موانع غیرتعرفه‌ای مختلف و متعددی را بر واردات وضع کرده و می‌کنند. تا سال ۱۳۸۱ در بخش تجارت خارجی کشور تعداد موانع غیرتعرفه‌ای بسیار بالا بوده ولی از این سال به بعد در راستای ماده ۱۱۵ قانون برنامه سوم توسعه تعداد آنها به شدت کاهش یافته است. در مورد برنج دریافت مجوز واردات از وزارت بازرگانی و جهاد کشاورزی یکی از مهمترین محدودیت‌ها و موانع غیرتعرفه‌ای اعمال شده بوده است. در

جدول ۴- معادل تعرفه‌ای برنج در دوره ۸۰-۱۳۶۹

| سال | قیمت سیف (دلار/کیلوگرم) | قیمت برنج پر محصول | معادل تعرفه‌ای ویژه (ریال/کیلوگرم) | معادل تعرفه‌ای با نرخ ارز آزاد (درصد) |
|-----|-------------------------|--------------------|------------------------------------|---------------------------------------|
| ۶۹ | ۰/۳۸ | ۴۰۰ | - ۱۱۱/۵۹ | - ۱۳/۱ |
| ۷۰ | ۰/۴۲ | ۴۵۰ | ۱۶۰/۵۷ | - ۲۴/۰ |
| ۷۱ | ۰/۴۴ | ۴۹۵ | - ۷۷/۴۱ | - ۲۰/۷ |
| ۷۲ | ۰/۴۰ | ۶۴۴ | - ۹۶۰/۷۷ | ۷/۴ |

| سال | قیمت سیف (دلار/کیلوگرم) | قیمت برنج پرمحصول | معادل تعرفه‌ای ویژه (ریال/کیلوگرم) | معادل تعرفه‌ای با نرخ ارز آزاد (درصد) |
|-----|----------------------------|-------------------|---------------------------------------|--|
| ۷۳ | ۰/۳۵ | ۷۳۸ | - ۱۲۱/۵۵ | ۱۶/۴ |
| ۷۴ | ۰/۳۹ | ۸۰۰ | ۱۶۹/۱۱ | -۲۶/۹ |
| ۷۵ | ۰/۵۲ | ۹۹۴ | -۷۸۹/۱۴ | -۵۳/۸ |
| ۷۶ | ۰/۳۹ | ۱۱۷۵ | - ۲۸۴/۱۸ | -۲۸/۵ |
| ۷۷ | ۰/۳۳ | ۱۴۶۱ | ۳۵۰/۲ | -۴/۷ |
| ۷۸ | ۰/۳۲ | ۳۲۷۰ | ۳۵۹/۳۹ | ۸۷/۶ |
| ۷۹ | ۰/۲۹ | ۲۹۲۸ | ۶۱۸/۷۳ | ۲۴/۱ |
| ۸۰ | ۰/۲۷ | ۳۷۲۴ | ۱۱۱۰/۱۵ | ۷۴/۴ |

ماخذ: حسینی میرعبدالله (۱۳۸۳)

۵-۲. انحصار واردات برنج: تا پایان سال ۱۳۷۵، ۹۰ درصد

واردات برنج توسط دولت انجام می‌گرفت و مابقی آن نیز بوسیله ارگان‌هایی چون بنیاد شهید، بنیاد مستضعفان و جانبازان، تعاونی کارگران (امکان)، تعاونی مصرف کارکنان بازرگانی دولتی و تعاونی‌های مرزنشینان صورت می‌گرفت. از ابتدای سال ۱۳۷۶ واردات برنج به طور کامل به عهده دولت واگذار شده است. در سال‌های اخیر هر چند تغییراتی در میزان واردات توسط دولت صورت گرفته است ولی هنوز بخش اعظمی از واردات آن توسط دولت و شرکت بازرگانی دولتی صورت می‌گیرد. بررسی آمار واردات سال ۱۳۸۵ نشان می‌دهد که در این سال ۱/۱۴ میلیون تن برنج وارد کشور شده است. عمده‌ترین واردکنندگان برنج در سال ۱۳۸۵، شرکت مادر تخصصی بازرگانی دولتی ایران با واردات ۷۵۸ هزارتن بوده است. سهم این شرکت از کل واردات برنج در سال گذشته به لحاظ وزن ۶۶/۶ درصد بوده است. پس از آن شرکت‌های تعاونی مرزنشینان در رتبه دوم قرار دارند. کل واردات برنج توسط این تعاونی‌ها در سال ۱۳۸۵ حدود ۳۷۶ هزارتن بوده که ۳۳ درصد کل برنج وارداتی کشور را تشکیل می‌دهد. آمار مقایسه‌ای عمده‌ترین

واردکنندگان برنج در سال ۱۳۸۵ نشان می‌دهد سهم شرکت بازرگانی دولتی ایران و تعاونی‌های مرزنشینان از ارزش کل برنج وارداتی کشور ۹۹/۶ درصد بوده است. سهم اشخاص حقیقی و حقوقی تنها ۰/۴ درصد می‌باشد. بررسی آمارهای ارائه شده نشان می‌دهد که ۶۶/۶ درصد از کل برنج وارداتی در سال ۱۳۸۵ با تعرفه ۴ درصد وارد کشور شده است. همچنین ۳۳ درصد از واردات نیز به شرکت‌های تعاونی مرزنشین اختصاص دارد که از تخفیفات گمرکی ۵۵ درصدی استفاده کرده‌اند و تنها گمرک ایران از ۰/۴ درصد از کل واردات برنج ۱۵۰ درصد حقوق ورودی اخذ کرده است. نظام واردات برنج و انحصار آن از سوی دولت، افزون بر آنکه هدف‌های مورد نظر را نمی‌تواند به طور مطلوب تامین کند، هزینه بالا و کارایی پایینی نیز دارد. از سوی دیگر با توجه به اینکه کشور به دنبال طی نمودن فرآیند الحاق به سازمان جهانی تجارت است و بر اساس اصول این سازمان باید به تدریج نقش و سهم دولت در واردات برنج کاهش یابد و زمینه حضور پرنرنگ‌تر بخش خصوصی فراهم آید. چرا که در صورت تحقق این امر دولت باید خطوط تعرفه‌ای برنج را متنوع نماید و بعلاوه نمی‌تواند برای واردکنندگان یک کالای مشخص تعرفه‌های متفاوت وضع

کند (واردات توسط دولت و بخش خصوصی) در صورتی که در مقررات کنونی صادرات و واردات برای واردات توسط دولت یک تعرفه و واردات توسط واردکنندگان دیگر تعرفه‌های متفاوت وضع شده است.

۳. آثار اتخاذ سیاست‌های تنظیم بازار بر تولید، مصرف، قیمت و سایر مولفه‌های بازار برنج

در قسمت قبل سیاست‌های تنظیم بازار دولت مورد بررسی قرار گرفت اما این سیاست‌ها چه تاثیری بر عرضه و تقاضای برنج و سایر پارامترهای مهم نظیر سطح زیرکشت، تولید، افزایش عملکرد، خودکفایی، رابطه مبادله، خرید تضمینی، مصرف و قیمت داشته بسیار حایز اهمیت است. بر این اساس می‌توان سمت و سوی سیاست‌های اتخاذ شده توسط دولت را تعیین نمود و از سوی دیگر بر اساس تجارب کشورها سیاست‌های مناسب دیگری را اتخاذ نمود.

۳-۱. تولید و سطح زیر کشت: بررسی آثار سیاست‌های دولت بر تولید برنج بیانگر آن است که تولید با نرخ رشد متوسط سالانه ۴/۵۱ درصد از ۹۴۰ هزار تن در سال ۱۳۶۷ به بیش از ۲ میلیون تن در سال دوم برنامه چهارم توسعه (۱۳۸۵) رسیده است. بنابراین در مجموع تولید برنج در کشور افزایش یافته است. از آنجا که بخش اعظم سیاست‌های دولت معطوف به افزایش تولید ارقام پرمحصول بوده است، بررسی وضعیت تولید این ارقام می‌تواند سمت و سوی سیاست‌های دولت را نشان دهد. تولید برنج پرمحصول در دوره ۸۳-۱۳۷۳ با نرخ رشد متوسط سالانه ۰/۷ درصد از ۴۲۹ هزار تن به ۴۶۰ هزار تن رسیده است. تولید ارقام پرمحصول نیز دارای فراز و فرودهای فراوانی است و تولید این ارقام در برخی سال‌ها (۱۳۷۷) به حدود ۷۰۰ هزار تن افزایش یافته و در برخی از سال‌ها به کمترین میزان طی دوره رسیده است (در سال ۱۳۷۹ تولید ارقام پرمحصول به ۲۹۱ هزار تن کاهش یافته است). این در حالی است که تولید ارقام دانه بلند به دلیل سیاست‌های مداخله‌ای کمتر دولت ضمن افزایش از ثبات بیشتری نیز برخوردار بوده است.

یکی از تاثیرپذیرترین متغیرها از سیاست‌های دولت، سطح زیرکشت می‌باشد. سطح زیرکشت برنج در این دوره از رشد متوسط سالانه ۱/۶۸ درصد برخوردار بوده است و از ۴۶۷ هزار

هکتار به ۶۳۰ هزار هکتار افزایش یافته است. این امر می‌تواند این باور را بوجود آورد که دولت در افزایش سطح زیرکشت برنج کارا عمل کرده است اما بررسی سطح زیرکشت ارقام پرمحصول و دانه بلند نشان می‌دهد که سطح زیرکشت ارقام دانه بلند در دوره ۸۳-۱۳۷۳ از ۲۴۲ هزار هکتار به ۳۶۰ هزار هکتار رسیده است (رشد متوسط سالانه ۴/۰۳ درصد)، در حالی که سطح زیرکشت ارقام پرمحصول با نرخ رشد متوسط سالانه ۰/۱۲ درصد از ۱۱۲ هزار هکتار به ۱۱۴ هزار هکتار رسیده است در مقابل سطح زیرکشت ارقام دانه بلند همواره افزایشی بوده است در حالی که در مورد ارقام پرمحصول نوسان سطح زیرکشت همانند تولید بسیار زیاد می‌باشد. لذا می‌توان گفت اگر چه دولت سیاست‌های حمایتی را در مورد ارقام پرمحصول اتخاذ نموده اما در عمل به دلیل عدم اجرای صحیح این سیاست‌ها با موفقیت چندانی روبرو نبوده است.

۲-۳. عملکرد: افزایش تولید محصولات کشاورزی به دو شیوه افزایش سطح زیرکشت و افزایش عملکرد امکان‌پذیر است. در مورد برنج همان‌طوری که بررسی شد در مجموع سطح زیرکشت افزایش یافته است بنابراین بخشی از افزایش تولید مدیون افزایش سطح زیرکشت است. حال عملکرد در واحد سطح چه تغییری کرده است؟ این امر بویژه در مورد ارقام پرمحصول که دولت با انجام تحقیقات بر روی ارقام جدید پرمحصول، سعی در معرفی گونه‌های جدید داشته است به چه صورت می‌باشد؟ عملکرد در واحد سطح شلتوک در دوره ۸۵-۱۳۶۷ از ۳/۰۳ تن به پنج تن رسیده است (نرخ رشد متوسط سالانه ۲/۸۲ درصد).

بنابراین بخشی از افزایش تولید مرهون افزایش عملکرد از طریق افزایش بهره‌وری عوامل تولید بوده است. بررسی عملکرد ارقام دانه بلند نشان می‌دهد که عملکرد آن در دوره ۸۳-۱۳۷۳ از ۳/۸ تن به ۳/۹ تن افزایش پیدا کرده است. اما عملکرد ارقام پرمحصول از رشد بالاتری برخوردار بوده و از ۴/۶۵ تن به ۶/۴۵ تن افزایش پیدا کرده است که نشان می‌دهد بهره‌وری عوامل تولید در مورد ارقام پرمحصول و بویژه معرفی ارقام جدید در این موفقیت موثر بوده است.

۳-۳. خودکفایی: یکی از اصلی‌ترین و مهم‌ترین اهداف دولت در اتخاذ سیاست‌های کشاورزی خودکفایی در تولید

محصولات اساسی و استراتژیک کشاورزی از جمله برنج بوده است. این در حالی است که بررسی‌ها نشان می‌دهد طی دوره مورد بررسی ضریب خودکفایی در تولید این محصول تغییر چندانی نکرده است، به طوری که ضریب خودکفایی از ۶۲/۴ درصد در سال ۱۳۶۸ به ۶۴/۶ درصد در سال ۱۳۸۵ رسیده است. یکی از علت‌های اساسی این امر آن است که ایران در تولید ارقام پرمحصول برنج دارای مزیت نسبی نیست و همین امر نیز موجب شده دولت نتواند در خودکفایی این محصول به موفقیت چندانی برسد.

۳-۴. **رابطه مبادله:** یکی دیگر از جنبه‌های سیاست دولت در مورد برنج، تاثیر آنها بر رابطه مبادله می‌باشد. مهم‌ترین سیاستی که رابطه مبادله شالی‌کاران را تحت تاثیر قرار می‌دهد سیاست قیمت‌گذاری و بویژه سیاست قیمت تضمینی است. هدف دولت در اجرای سیاست قیمت تضمینی حمایت از تولیدکننده و افزایش سطح درآمد کشاورزان بوده که ابزار آن نیز در خود قانون نیز به صورت حفظ رابطه مبادله محصولات کشاورزی در داخل و خارج بخش پیش‌بینی شده است. نتایج حاصل از محاسبه رابطه مبادله برنج طی دوره ۸۵-۱۳۶۸ نشان می‌دهد که این رابطه هر چند همواره بالاتر از یک قرار داشته ولی طی دوره از ۱/۸۹ به ۱/۳۹ کاهش یافته است.

۳-۵. **خرید تضمینی:** میزان خرید تضمینی جنبه‌ی دیگری از سیاست‌های حمایتی است که ارتباط مستقیمی با قیمت تضمینی برنج دارد. میزان خرید تضمینی برنج طی دوره ۸۵-۱۳۶۸ از ۹۲۳۰ تن در سال ۱۳۶۹ به ۸۶/۶ هزارتن در سال ۱۳۸۵ رسیده است (رشد متوسط سالانه ۱۵/۰۵ درصد). در برنامه اول میزان خرید تضمینی با رشد متوسط سالانه منفی ۳۱/۵ درصد از ۹۲۳۰ تن به ۲۹۶۳ تن کاهش یافته است. در برنامه دوم توسعه و در سال‌های ۷۸-۷۶ خرید تضمینی صورت نگرفته است. بیشترین میزان خرید تضمینی به برنامه سوم توسعه اقتصادی اختصاص دارد. میزان خرید تضمینی در این برنامه از ۱۰۸ هزارتن در سال ۱۳۷۹ به ۶۷/۶ هزارتن در سال ۱۳۸۳ رسیده است. در مجموع بیشترین میزان خرید تضمینی دولت در سال ۱۳۷۹ صورت گرفته است. این امر در حالی اتفاق افتاده است که تولید برنج در

این سال تقریباً به میزان تولید در سال ۱۳۶۸ کاهش یافته است. علت این افزایش را باید در مشکلات ایجاد شده در سال ۱۳۷۸ دانست. در سال ۱۳۷۸ قیمت بازار داخلی به دلیل افزایش شدید واردات برنج قبل از نشاکاری کاهش یافت و مشکلات فراوانی برای تولیدکنندگان برنج ایجاد کرد، به طوری که به دلیل اشباع بازار از برنج‌های وارداتی، صف‌های طولانی تحویل برنج به مراکز خرید، عدم تامین به موقع نقدینگی برای پرداخت بدهی کشاورزان موجب سردرگمی کشاورزان گردید و در نهایت زمینه را برای تولید ارقام پرمحصول و حتی مرغوب را به شدت کاهش داد. همین امر موجب شد در سال بعد و برای حمایت از ارقام پرمحصول میزان خرید تضمینی افزایش پیدا کند.

نکته جالب توجه این است که در بعضی از سال‌ها با وجود اعلام قیمت تضمینی، خریدی از جانب دولت صورت نگرفته است. اگر آمار سهم خرید از کل تولید برنج به عنوان معیاری دآوری باشد در سال ۱۳۷۹ که بیشترین خرید تضمینی صورت گرفته است این سهم ۸/۳ درصد می‌باشد. حال از آنجا که این سیاست تنها برای ارقام پرمحصول بکار رفته است در این زمینه نیز در بهترین شرایط ۲۵/۷ درصد کل تولید ارقام پرمحصول خریداری شده است. این امر به دو دلیل رخ داده است:

۱. قیمت تضمینی بسیار پایین‌تر از قیمت بازار بوده است.
۲. دولت با وجود اعلام خرید تضمینی به دلیل مشکلات بودجه، قادر به خرید محصول (بویژه خرید به موقع) نبوده است.
- ۳-۶. **تجارت:** به دلیل این که تولید داخلی پاسخگویی تقاضای داخلی نیست، دولت هر ساله از طریق واردات سعی در کاهش این شکاف نموده است و بر این اساس سالانه رقم قابل توجهی واردات برنج صورت گرفته و ایران را در زمره واردکنندگان بزرگ بازار جهانی برنج درآورده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد واردات با نرخ رشد متوسط سالانه ۶/۹۵ درصد از ۳۴۰ هزار تن در سال ۱۳۶۷ به ۱/۱۴ میلیون تن در سال ۱۳۸۵ رسیده است. [۳۰] همان‌طوری که در بررسی واردات برنج اشاره شد میزان واردات برنج از نوسانات فراوانی برخوردار بوده است. نکته جالب توجه این که حتی در بعضی از سال‌ها با وجود افزایش تولید، میزان واردات نیز افزایش یافته است (برای نمونه سال ۱۳۷۱ و ۱۳۷۲) و یا برعکس

سال ۱۳۷۳ با وجود کاهش تولید واردات نیز کاهش یافته است). این امر نشان می‌دهد که واردات برنج از فقدان برنامه‌ریزی شدید رنج می‌برد، به طوری که به دلیل فقدان متولی در امر بازاریابی محصولات کشاورزی در کشور و پیش‌بینی نادرست شکاف بین عرضه و تقاضا، تخمین نادرستی از نیاز وارداتی برنج انجام شده و از همین رو واردات برنج نتوانسته به ثبات قیمت‌ها در بازار داخلی کمک کند و قیمت برنج تحت تاثیر واردات نوسان‌های زیادی را تجربه نموده است. [۳۱]

بررسی رشد متوسط سالانه واردات در برنامه‌های توسعه بیانگر آن است که بالاترین رشد واردات با ۲۷/۸۲ درصد به برنامه اول توسعه اختصاص دارد. واردات برنج در این برنامه نسبت به سال ۱۳۶۷ از ۳۴۰ هزار تن به ۱/۱۶ میلیون تن رسید که بالاترین میزان واردات در کل دوره مورد بررسی می‌باشد (بجز سال ۱۳۷۹). در برنامه دوم توسعه اقتصادی کشور آهنگ رشد واردات کاهش یافت و واردات از ۱/۱۶ میلیون تن در انتهای برنامه اول توسعه به ۱/۰۲ میلیون تن در پایان برنامه دوم توسعه رسید (رشد متوسط سالانه منفی ۲/۵۴ درصد). در برنامه سوم توسعه اقتصادی دوباره واردات با نرخ رشد متوسط سالانه ۲/۲۵ درصد از ۱/۰۲ میلیون تن در سال ۱۳۷۸ به ۱/۱۴ میلیون تن در سال ۱۳۸۳ افزایش یافت. در برنامه چهارم توسعه میزان واردات در همان سطح سال ۱۳۸۳ باقی ماند.

از آنجا که تولید داخلی برنج، کل تقاضای داخلی را برآورد نمی‌کند واردات برنج برای تنظیم بازار ضروری است ولی برای آنکه این سیاست به درستی نقش خود را در تنظیم بازار ایفا نماید باید به موارد زیر توجه شود:

۱. برنامه‌ریزی برای میزان واردات مشخص: برای این که کارکرد واردات در تنظیم بازار مشخص شود، لازم است با برآورد میزان تولید و تقاضا، میزان واردات تعیین شود. در این زمینه وجود نظام اطلاعات بازار می‌تواند سیاست‌گذاران را در تصمیم‌گیری‌ها کمک نماید. متأسفانه هنوز چنین نظام اطلاعاتی به صورت جامع شکل نگرفته است.

۲. زمان واردات: یکی از مهمترین مشکلات واردات در بعضی از سال‌ها همزمانی آن با فصل برداشت محصول و در نتیجه کاهش قیمت در بازار بوده است. از این رو انجام واردات برای تنظیم بازار داخلی به اهرمی در جهت عکس تبدیل

شده و به بی‌نظمی بیشتری در بازار انجامیده است.

۳. وجود سیستم‌های ذخیره‌سازی: یکی از اساسی‌ترین مواردی که می‌تواند به تنظیم بازار داخلی کمک نماید وجود سیستم‌های مناسب ذخیره‌سازی و انبارداری می‌باشد. به دلیل فقدان این زیرساخت‌ها و در سال‌هایی که واردات فراوانی انجام شده عرضه برنج یارانه موجب کاهش قیمت بازار و افزایش زیان تولیدکننده شده است.

۷-۳. مصرف: یکی از جنبه‌های مهم سیاست‌های دولت در بازار برنج تاثیر آن بر مصرف و مصرف سرانه می‌باشد. مصرف برنج در دوره ۸۵-۱۳۶۷ با نرخ رشد متوسط سالانه ۴/۶۵ درصد از ۱/۲۷ میلیون تن به ۲/۸۸ میلیون تن افزایش یافته است (۱/۶۱ میلیون تن افزایش مصرف). بنابراین سیاست‌های حمایتی دولت و پرداخت یارانه برای برنج موجب افزایش مصرف برنج در کشور شده است. افزایش مصرف برنج موجب تغییر الگوی مصرف و افزایش مصرف سرانه گردیده و مصرف سرانه از ۲۴/۵۶ کیلوگرم در سال ۱۳۶۷ به ۴۱/۱۸ کیلوگرم در سال ۱۳۸۵ رسیده است.

۸-۳. قیمت: بررسی تاثیر سیاست‌های دولت بر قیمت انواع برنج در دوره ۸۵-۱۳۶۷ نشان می‌دهد که نسبت شاخص قیمت خرده‌فروشی برنج به شاخص کل کالاهای مصرفی کاهش یافته و از ۱/۲۱ به ۰/۸۲ کاهش یافته است. این امر نشان می‌دهد که شاخص خرده‌فروشی برنج کمتر از شاخص کل بهای کالاهای مصرفی افزایش پیدا کرده است. بخش اعظم این امر به توزیع کوپنی و کالابریگی برنج در این دوره بر می‌گردد.

۴. چالش‌های تنظیم بازار برنج و راهکارهای پیشنهادی

در این مقاله ابتدا سیاست‌های تنظیم بازار و حمایتی دولتها مورد بررسی قرار گرفتند و در قسمت دوم سیاست‌های اتخاذ شده در ایران و سپس تاثیر آنها بر مولفه‌های مهم بازار برنج مطالعه شدند. در این بخش با توجه به قسمت‌های گذشته به مهمترین چالش‌های برنج به شرح ذیل اشاره خواهد شد تا بر اساس آنها بتوان سیاست‌های مناسبی برای برون رفت از شرایط فعلی اتخاذ نمود:

۱. مشخص نبودن سیاست خودکفایی دولت در زمینه برنج، زیرا با وجود تاکیدات فراوان بر خودکفایی، سیاست‌های دولت دارای جهت‌گیری درستی نبوده و تولید ارقام پرمحصول از رشد چندانی برخوردار نبوده است. علت این امر وجود مشکلات فراوان ساختاری در طرف تولید می‌باشد.

۲. هزینه‌ی بالای تولید مهمترین چالش تولید برنج در ایران است و همین امر موجب شده که کشور در تولید این محصول دارای مزیت نسبی نباشد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که تنها ارقام پرمحصول در نقطه سربه‌سر مزیت نسبی قرار داشته‌اند و سیاست‌گذاری دقیق دولت می‌تواند موجب خلق مزیت در این نوع ارقام شود.

۳. تصدی‌گری دولت در بازار برنج یکی دیگر از چالش‌های بازار برنج می‌باشد. با توجه به این که با عضویت ایران در سازمان جهانی تجارت امکان فعالیت بخش دولتی در تجارت خارجی آن محدود خواهد شد لازم است که از هم اکنون زمینه را برای حضور بخش خصوصی در این بازار فراهم آورد.

۴. بالا بودن میزان ضایعات: دست‌اندرکاران این بخش معتقدند که میزان ضایعات برنج در دامنه ۳۰-۱۶ درصد کل تولید می‌باشد که بخش اعظمی مربوط به مرحله شالی‌کوبی است.

۵. فقدان اطلاعات تنظیم بازار: تا زمانی که شبکه دقیقی از مولفه‌های بازار شکل نگیرد دولت نمی‌تواند در تنظیم بازار آن با موفقیت عمل کند. عدم برآورد دقیق میزان تولید، همواره دولت را در تعیین میزان دقیق واردات با مشکل مواجه نموده است.

۶. عدم توسعه صنایع جانبی: علیرغم اینکه شمال کشور یکی از مناطق عمده کشاورزی و زراعت برنج محسوب می‌شود ولی بدلیل فقدان صنایع جانبی کافی در استان‌های شمالی زراعت برنج پویایی لازم را ندارد.

۷. تسریع در عملیات تسطیح اراضی شالیزار: تسطیح اراضی شالیزاری یکی از برنامه‌های ضروری در شمال کشور محسوب می‌گردد که توسط دولت تصویب شده است ولی نیاز به سرعت بیشتری دارد و کشاورزان را در برنامه‌ریزی و طراحی مشارکت داده تا نتیجه بهتری عاید شود.

۸. کوچک بودن قطعات زمین زیرکشت: کوچک بودن قطعات شالی، هزینه‌های تولید را به شدت افزایش می‌دهد و اجرای

مکانیزاسیون نیز در این قطعات دارای صرفه اقتصادی نمی‌باشد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که متوسط زمین‌های شالی کمتر از یک هکتار می‌باشند (۰/۷۶ هکتار) [۳۲]

۹. قدیمی و سنتی بودن واحدهای شالی‌کوبی: به دلیل فرسوده بودن واحدهای شالی‌کوبی ضریب تبدیل شالی به برنج در ایران کمتر از دنیا و کشورهای عمده تولیدکننده است (۵۵ درصد در مقایسه با ۷۰ درصد). در نتیجه بخش زیادی از برنج به صورت خرده برنج، دانه مرغ و آرد برنج در می‌آید.

۱۰. فقدان بسته‌بندی‌های نوین در برنج: بررسی‌ها نشان می‌دهد که در کشور ۴۲ واحد فعال بسته‌بندی برنج با ظرفیت اسمی ۳۶۷۴۴ تن وجود دارد. با توجه به حجم بالای تولید این میزان ظرفیت بسته‌بندی بسیار اندک است. استانداردهای محصول در واحدهای تولیدکننده و حتی بسته‌بندی‌کننده برنج، علی‌رغم قدمت تدوین آنها اجرا نشده‌اند. بر اساس چالش‌های مورد اشاره مهمترین سیاست‌های پیشنهادی عبارتند از:

۱. اعمال سهمیه‌مقداری واردات: به دلیل اینکه تولید داخل تامین‌کننده نیاز داخلی نیست، واردات محصول اجتناب‌ناپذیر است. در زمینه واردات دو کار باید انجام شود: اولاً برآورد دقیق میزان تولید داخلی و نیاز مصرفی و سپس تعیین میزان واردات. ثانیاً، انجام واردات در زمان مناسب.

۲. متنوع نمودن خطوط تعرفه: سیستم تعرفه‌ای باید طوری تعیین شود که هیچ وارداتی با قیمتی کمتر از قیمت حمایتی مطلوب میسر نباشد. به عبارتی دیگر سیستم تعرفه‌ای شناور باعث می‌شود که میزان تعرفه با کاهش قیمت جهانی افزایش پیدا کند و با صعود قیمت جهانی کاهش یابد.

۳. استفاده از سیاست‌های پرداخت مستقیم، جبرانی و ثابت برای حمایت از تولید برنج (این سیاست‌ها جزو سیاست‌های جعبه‌سبز سازمان جهانی تجارت هستند).

۴. کاهش ضایعات برنج از طریق نوسازی صنعت شالیکوبی: بیشترین ضایعات برنج مربوط به مرحله شالی‌کوبی می‌باشد. در این زمینه استفاده از تجربیات شرکت‌های چند ملیتی و یا مشارکت آنها در اجرای صنعت مدرن شالی‌کوبی و فرآورده‌های آن ضروری است (تجربه کشور هند). با توجه به این که طرح اصلاح و نوسازی صنعت شالی‌کوبی در حال

- اجرا است و برای موفقیت آن در عمل لازم است به موارد زیر توجه شود:
- ۴-۱- تعیین کارخانه‌های واجد نوسازی از طریق درجه‌بندی کارخانه‌های موجود کشور.
 - ۴-۲- استقرار آزمایشگاه کنترل کیفیت برنج برای ارزیابی عملکرد کارخانه‌های شالی کوبی.
 - ۴-۳- برنامه‌ریزی برای ارائه خدمات فنی به کارخانه‌های شالی‌کوبی و نظارت بر عملکرد آنها (راه‌اندازی شرکت‌های خدمات مهندسی و نظارتی در بخش کشاورزی در مناطق برنج خیز کشور).
 - ۴-۴- اجرای استانداردهای کمی و کیفی برنج در کارخانه‌های شالی‌کوبی و نظارت موسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی.
 - ۴-۵- برگزاری دوره‌های آموزش جهت کاهش ضایعات در مرحله فرآوری.
 ۵. تجدید نظر در سیاست قیمت‌گذاری تضمینی: با توجه به اینکه اکنون بیشتر کشورها از طریق سیاست‌های قیمتی در بازار محصول دخالت نمی‌کنند تجدید نظر در این سیاست ضروری است. دولت اگر به دنبال افزایش تولید ارقام پر محصول است لازم است برنامه اعتبار محصول [۳۳] (قیمت حداقلی است که به منظور تامین نقدینگی کشاورز در هنگام برداشت محصول و در عین حال ایجاد فرصت استفاده از قیمت‌های بالاتر آتی، تعیین می‌گردد. کشاورزان می‌توانند محصول خود را به صورت اعتباری به دولت واگذار نمایند ولی محصول را تا زمان مشخصی در نزد خود نگهداری می‌نمایند. چنانچه طی این مدت کشاورزان بتوانند محصول خود را به قیمت بالاتری به فروش برسانند، پول دریافتی از دولت را به اضافه سود معین به دولت بازگردانند. در غیر این صورت در پایان دوره محصول را در اختیار دولت می‌گذارند) را در مورد برنج به اجرا گذارد.
 ۶. با توجه به این که خودکفایی تنها در ارقام هیبریدی امکان‌پذیر است و این ارقام نیز بازار پسندی مناسبی ندارد، بخش تحقیقات کشور باید به سمت اصلاح ارقام بومی حرکت کند که هم بازارپسندی مناسبی دارند و هم توانایی رقابت با گونه‌های مشابه خارجی دارد.
 ۷. بخشی از واردات برنج کشور به طور غیرمستقیم و از طریق کشورهایی که تولیدکننده عمده برنج نبوده بلکه فقط به

صادرات مجدد آن اقدام می‌کنند (نظیر امارات متحده عربی) صورت می‌گیرد که این امر طبیعتاً به افزایش قیمت وارداتی منجر می‌شود، حال آن که با یک سیاست‌گذاری مناسب می‌توان ارزش افزوده ناشی از بسته‌بندی برنج را که در حال حاضر نصیب کشورهای یاد شده می‌شود، به داخل کشور منتقل و ضمن فراهم آوردن زمینه اشتغال از افزایش بی‌مورد قیمت برنج وارداتی نیز پیشگیری کرد.

۸. یکی از مشکلات صنعت برنج، نحوه فعالیت شالی‌کوبی‌ها به صورت حق‌العمل کاری است که انگیزه آنها را برای افزایش سرمایه‌گذاری کاهش داده از این رو حرکت به سمت نوعی ادغام عمودی در این صنعت ضروری است. در این نحوه تعامل کارخانه‌های شالی‌کوبی خریدار اصلی برنج هستند و با انجام سایر فرآوری‌ها ارزش افزوده کالا را نیز افزایش می‌دهند و از سوی دیگر چون کارخانه‌ها از افزایش کمی و کیفی محصول بهره‌مند می‌شوند به دنبال استفاده از فناوریهای جدید در امر شالی‌کوبی نیز خواهند بود.

پی‌نوشت‌ها

۱. این مقاله برگرفته از طرح نظام پشتیبان تنظیم بازار برنج است که در موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی انجام شده است.
۲. بر اساس تئوریهای اقتصادی ارتباط و همبستگی تولید و واردات باید منفی باشند اما واردات برنج با تولید داخلی آن در ایران نه تنها منفی نیست بلکه این همبستگی مثبت نیز می‌باشد. بدین معنی که با افزایش تولید میزان واردات نیز افزایش یافته است.
۳. اخیراً دولت به منظور کاهش ضایعات این محصول در کشور مبادرت به اقداماتی اساسی همچون اصلاح ساختار کارخانجات شالی‌کوبی، تامین تعدادی کمباین‌های مخصوص برداشت برنج و ... نموده است. بر اساس آمارها حدود ۴۰۰۰ واحد شالی‌کوبی کوچک در کشور وجود دارند، که حداقل ظرفیت تولیدی ۲۰۰ تن و حداکثر ظرفیت آنها ۴۰۰۰ تن برنج سفید در سال می‌باشد. یکی از آثار و تبعات این صنعت، بالا بودن میزان ضایعات در کارخانه‌های شالی‌کوبی است. بر اساس برآوردهای انجام شده زیان ناشی از خرده برنج در

Corporation.

۲۶. نوری، کیومرث، ۱۳۸۲.
۲۷. برای توضیحات بیشتر به منابع نوری، کیومرث ۱۳۸۳ و پرمه زورار و همکاران ۱۳۸۴ مراجعه شود.
۲۸. نجفی، بهاء‌الدین، ۱۳۷۹.
۲۹. حسینی، میرعبدالله، ۱۳۸۳.
۳۰. لازم به ذکر است در مورد برنج و سایر کالاهای استراتژیک دولت دارای ذخایر احتیاطی است. بنابراین آنچه توزیع می‌شود صرفاً واردات آن سال نیست بلکه مانده موجودی انبار سال قبل نیز می‌باشد یا اینکه تمام واردات لزوماً در همان سال واردات مصرف نمی‌شود و لذا در کنار آمار واردات استفاده از آمار توزیع برای محاسبه دقیق مصرف در یک دوره معین ضروری است.
۳۱. نجفی، بهاء‌الدین، ۱۳۷۹.
۳۲. نوری، کیومرث، ۱۳۸۱.

33. loan rate program

منابع

- آقاگل‌زاده، حمید نقش کمباینها در افزایش ضایعات برنج. سایت برنج.
- سکوتی‌فر، رقیه، تکنولوژی برنج - نگاهی به صنعت شالی کوبی کشور، ۱۳۸۴.
- پرمه، زورار و همکاران، مطالعه پشتیبان تنظیم بازار برنج، موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی. سال ۱۳۸۷.
- حسینی، میرعبدالله، "سیاست تجاری کشاورزی ایران و تعیین معادل تعرفه‌ای واردات محصولات"، پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۳۲: پائیز ۱۳۸۳، صص ۱ تا ۴۰.
- نجفی، بهاء‌الدین، "بررسی سیاست‌های دولت در زمینه برنج: مسائل و رهیافتها"، مجله اقتصادکشاورزی و توسعه، سال هشتم، شماره ۳۱، زمستان ۱۳۷۹.
- نوری، کیومرث، تعیین مزیت نسبی تولید گروههای عمده برنج در گیلان و مازندران، اقتصادکشاورزی و توسعه، سال دهم، شماره ۴۰، زمستان ۱۳۸۱.
- نوری، کیومرث، بررسی کارایی سیاست قیمت‌گذاری برنج در ایران، پژوهش و سازندگی در زراعت و باغبانی شماره ۶۱ زمستان ۱۳۸۲.

- سال بالغ بر ۱۴۵۴ میلیارد ریال است و کل زیان ناشی از ضایعات برنج در سال ۱۹۹۲/۵ میلیارد ریال می‌باشد. بر این اساس در سال ۱۳۸۳ طرح اصلاح و نوسازی صنعت شالی‌کوبی کشور به عنوان یک ضرورت در دستور کار قرار گرفت. در این طرح پیش‌بینی شده در مجموع ۱۵۰۰ کارخانه شالی‌کوبی مدرن با ظرفیت‌های ۳۰، ۴۰ و ۵۰ تن در روز ایجاد شوند. در سال ۱۳۸۵ از محل اعتبارات این طرح ۶۵ کارخانه مدرن راه‌اندازی شده و ۴۸ کارخانه نیز در مرحله راه‌اندازی می‌باشند و ۱۸۳ کارخانه نیز متقاضی اصلاح و نوسازی هستند.
۴. آقاگل‌زاده، ۱۳۸۶.
 ۵. سکوتی‌فر، ۱۳۸۴.

6. Sidik, M. 2004.
7. The National Logistics Planning Agency.
8. The National Logistics Planning. Agency = Bulog is Badan Urusan Logistic Nasional
9. Rice for the poor.
10. Shikha Jha, P.V. Srinivasan, and Maurice Lande. 2007 .
11. Minimum Price Support.
12. the Commission for Agricultural Costs and Prices (CACP).
۱۳. این کار توسط تعاونی غذایی هند Food Corporation of India (FCI) صورت می‌گیرد.
14. food for work programs.
15. FAO Trade Policy Technical Notes on issues related to the WTO negotiations on agriculture, 2004.
16. Variable duty system.
۱۷. سیستم تعرفه متغیر از سال ۱۹۹۵/۹۶ به قیمت مداخله‌ای ارتباط داده شده است.
18. the African, Caribbean and Pacific.
19. Childs N and Janet Livezey. 2006, Childs N. 2004. FAO. 2004.
20. Income support payments.
21. direct payments.
22. loan rate.
23. counter – cyclical payments.
24. Li Ninghui, 2005.
25. China National Cereals, Oils and Foodstuffs Import and Export

- FAO, "Review of Basic Food Policies", Commodities and trade division.
- FAO, "International Trade in Rice, Recent Developments and Prospects", *World Rice Research Conference*, 2004.
- Fukuda.H, Dych.J and Stout, "Rice Sector Policies in Japan," USDA.ERS, 2003.
- Li Ninghui, "The Rice Economy and Rice Policy in China" Rice is life: Scientific perspectives for the 21st century, 2005.
- Policy Brief No. 6, "Rice Floor Price Policies" BAPPENAS/USAID/DAI Food Policy Advisory Team, August 2000.
- Shikha Jha, P.V. Srinivasan, and Maurice Lande, "Indian Wheat and Rice Sector Policies and the Implications of Reform," Economic Research Report," Number 41, 2007.
- Sidik,M, Indonesia rice policy in view of trade liberalization" *FAO Rice Conference*, 2004.
- نوری، کیومرث، "بررسی سیاست‌های حمایتی برنج در ایران. اقتصادکشاورزی و توسعه، سال سیزدهم، شماره ۵۲. زمستان، ۱۳۸۴.
- A. Badawi Tantawi, Fouda Sabaa Mounir, "Egyptian policies for rice processing and marketing after liberalization in Egypt" *Ciheam - Options Mediterraneennes*, vol. 50, 2002.
- Babu.S and Tashmatov.A, "Food Policy Reforms in Central Asia: Setting the Research Priorities", *International Food Policy Research Institute Washington, D.C*, 2002.
- Childs N. "Rice Background and Issues from Farm Legislation", *Outlook report from economic research service*, USDA, 2004.
- Childs N and Janet Livezey. Rice Backgrounder. Outlook Report from Economic Research Service. USDA, 2006.
- Fan. S and Cohen. M.J., "Critical Choices Chain's Agricultural Policy, *International Food Policy Research Institute*", Washington, D.C, 1999.
- FAO, Trade Policy Technical Notes on Issues Related to the WTO Negotiations on, Agriculture: Rice: what do analytical model results tell us.2004.

